

کردستان خودمختار

چه حقوقی باید داشته باشد!

ما از تشکیل استان سوم کردنشین با مرکزیت
"مهاباد" دفاع می کنیم



دوره هفتم، سال اول، شماره 126
سه شنبه 4 دی ماه 1358

طرح خودگردانی که متن کامل آن از جانب هیئت ویژه دولت در کردستان، برای ناحیه های خودگردان انتشار یافته، تا مردم و خصوصاً احزاب سیاسی نسبت بدان نظر اصلاحی خود را ارائه دهند، به نظر حزب توده ایران، طرحی است که چنانچه تنقیح، اصلاح و تکمیل شود، می تواند مبنایی برای طرح جامعی مورد استفاده واقع گردد.

اصلاحاتی که به نظر حزب توده ایران، می بایستی در طرح منتشره انجام گیرد، به شرح زیر است:

1 - طرح به این سؤال پاسخ نداده است که به چه سبب و نیز به خاطر کدام هدف، واگذاری «خودگردانی» (خودمختاری) لازم آمده است. لازم است در مقدمه ای گفته شود که عمل و اهداف خود «خودگردانی» کدامند. زیرا فرق است میان مثلاً ناحیه کردستان با ناحیه اصفهان و یا مثلاً میان ناحیه بلوچستان با ناحیه شیراز. خودگردانی به خلق هایی در ایران واگذار می شود که غیرفارسی هستند، دارای زبان، مذهب، فرهنگ و سنن و آداب و رسوم خاص خویشند و در دوران رژیم سلطنتی در ایران خصوصیات ملی و قومی آن ها نادیده گرفته شده، در معرض تبعیض و ستم قرار گرفته اند و در نتیجه عقب نگاه داشته شده اند.

بنابر این در مقدمه ای که می بایستی در طرح هیئت ویژه افزوده شود، باید قید شود

که:

(1) ایران کشوری است کثیرالمله، در ایران اقوام کرد و آذربایجانی و بلوچ و ترکمن و اقلیت های ملی ارمنی، آسوری، کلیمی و غیره زندگی می کنند.

(2) در ایران ستم ملی دیرپایی وجود داشته که مانع رشد آزاد و همه جانبه ایران و مانع وحدت واقعی و داوطلبانه و مستحکم خلق های ایران بوده است.

(3) ستم ملی محصول حکومت استبدادی سلطنتی وابسته بوده است.

(4) این ستم ملی باید رفع شود تا راه رشد همه جانبه خلق های ساکن ایران چنان گشوده گردد که عقب ماندگی خلق هایی که در معرض ستم ملی بوده اند در تمام شئون زندگی رفع گردد و به همین منظور خودگردانی به این خلق ها واگذار می شود.

(5) جمهوری اسلامی ایران مبارزات خلق های ستمدیده ایران در راه رهایی از ستم ملی را جزء جنبش انقلابی رهایی بخش همه مردم ایران می داند که همه آن ها در انقلاب ایران به رهبری امام خمینی علیه رژیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم، برای ایجاد ایرانی واقعا و کاملاً مستقل، آزاد و آباد به سود مستضعفان شرکت داشته اند.

2 - در این مقدمه طرح خودگردانی باید قید شود که خلق ها و یا ملیت ها و یا اقوامی که در ایران تحت ستم ملی قرار داشته اند، کدام ها هستند. نام آن ها باید ذکر گردد و بدین ترتیب موجودیت ملی و قومی آنها و نیز لزوم رفع ستم ملی از آنها تصریح شود.

3 - خودگردانی به آن ناحیه هایی در کشور واگذار می شود که اکثریت اهالی آن ها غیرفارسی (بر این مبنا باید در تقسیمات کشوری تجدید نظر به عمل آید) این گونه ناحیه ها

در تقسیمات کشوری ممکن است یک یا چند استان باشد. در صورتی که یک استان باشد، شورای استان و در صورتی که چند استان باشد، شورایی مرکب از نمایندگان منتخب شوراهای استان ها ارگان خودگردانی خواهد بود.

(در کردستان به نظر ما باید مناطق کرد نشین ایلام را به کرمانشاه ملحق کرد و **مناطق کردنشین آذربایجان غربی را با مرکزیت شهر مهاباد، به یک استان جدید** تبدیل نمود. به این ترتیب سه استان کردنشین کرمانشاهان، سنندج و مهاباد خواهیم داشت. برای تعیین مناطق کردنشین آذربایجان غربی و ایلام می توان از اصول همه پرسی (**رفراندوم**) از اهالی محل استفاده نمود.)

4 - در طرح می بایستی تصریح گردد که سازمان اداری منطقه خودگردان برپایه اصل شورایی قرار دارد، یعنی انتخاب همه شوراها و مقام ها از پایین به بالا است و نه انتصاب از بالا به پایین.

5 - در شرح باید لزوم رفع عقب ماندگی ناحیه خودگردان تصریح گردد و قید شود که با برنامه ریزی های عمومی (سراسری کشور) و نیز برنامه ریزی های ناحیه های خودگردان (از جمله برنامه های ضربتی) به منظور تسریع رشد صنایع، کشاورزی، فرهنگی و امور رفاهی، عقب ماندگی های تاریخی آن ها باید برطرف شود چنانکه این ناحیه ها به سطح دیگر مناطق کشور برسند.

6 - در طرح همچنین باید قید شود که در ناحیه های خودگردان اصلاحات ارضی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین و به سود احیای کشاورزی ایران در سراسر کشور به طور یکسان اجرا خواهد شد و فئودالیسم به هر شکلی از اشکال در ناحیه های خودگردان باقی باشد، از ریشه منحل خواهد گردید.

نظرات اصلاحی در مورد حقوق و وظایف ناحیه های خودگردان مندرج در طرح هیئت ویژه

1 - در تبصره ماده 2 (از بخش الف) قید شده است که «استاندار و فرمانداران به پیشنهاد وزارت کشور و تایید شورای ناحیه خودگردان به کار گمارده می شوند.» این تبصره متناقض با ماده 2 است که در آن «کار به دستان اداره های ناحیه خودگردان که امور محلی را اداره می کنند، به پیشنهاد شورای ناحیه و تصویب وزارتخانه مربوطه در دولت به کار گمارده می شوند.»

استانداران و فرمانداران - کار بدستانی هستند که امور محلی را اداره می کنند و لذا طبق ماده 2 می بایستی از طرف شورای ناحیه معرفی شوند و پس از تایید وزارت کشور به کار مشغول گردند.

2 - ماده 3 (از بخش الف) راجع به دادگستری گنگ و مبهم است. باید با صراحت قید شود که دادرسی در مراحل هدایت و استیناف در اختیار دادگستری ناحیه خودگردان است. اگر طرفین دعوی و یا دولت اعتراضی به قرار این دادگاه های محلی داشته باشند، مسئله به دیوان عالی قابل تجدید بررسی و صدور حکم جدید خواهد بود.

3 - در مورد انتظامات ناحیه، مادام که «انتظامات برعهده کاربدستان ناحیه خودگردان است» (جمله اول ماده 4)، رئیسان نیروها انتظامی (پلیس شهری و روستایی) نیز قاعدتا می بایستی از طرف شوراهای ناحیه خودگردان پیشنهاد شوند و پس از تایید وزارت کشور (شهربانی و ژاندارمری) به کار مشغول گردند و نه برعکس.

ضمناً در این ماده یکجا نیروی انتظامی (پلیس شهری و روستایی) ذکر شده و یکجا (شهربانی و ژاندارمری) آیا پلیس شهری همان شهربانی و پلیس روستایی همان ژاندارمری

است. اگر چنین است که عبارت باید یک نسق شود و اگر نیست توضیح داده شود که «پلیس شهری و روستایی» چیست؟

4 - در طرح از پاسداران و سپاه پاسداران ذکر نشده است و حال آن که یکی از مسایل گرهی است. این یک نقیصه جدی در طرح است که باید برطرف شود. نحوه انتخاب و معرفی و تصویب یکان یا یکان های پاسدار در ناحیه خودگردان می بایستی همانند نحوه انتخاب، معرفی و تصویب روسای شهربانی و ژاندارمری در ناحیه خودگردان باشد، یعنی از سوی ارگان اداره خودگردانی معرفی گردد و پس از تایید فرماندهی سپاه پاسداران مشغول انجام وظیفه گردد.

5 - در طرح از هویت ملی و قومی افراد پلیس و ژاندارم (و نیز پاسداران) ذکر به عمل نیامده است. این هم یکی از مسایل گرهی و جدی است. واضح است که مثلاً بلوچ را نمی توان و نباید در آذربایجان و یا ژاندارم آذربایجانی را در کردستان و یا پاسدار کرد را در اصفهان به خدمت گمارد.

پلیس و ژاندارم می بایستی حتی المقدور و پاسداران می بایستی حتماً از اهالی محل باشند تا اولاً بتوانند بهتر وظایف خود را انجام دهند و ثانیاً مقبول اهالی باشند.

6 - ماده ای باید اضافه گردد دایر بر این که باید از مردم نواحی خودگردان جوانانی به آموزشگاه های نظامی (ارتش) معرفی و از آنان کادرهای افسری لازم جهت ارتش و نیروهای انتظامی تربیت شوند.

7 - در ماده 7 (از بخش الف) گفته شده: «ناحیه خودگردان حق دارد علاوه بر دریافت و طرح بودجه ای که به عنوان سهم ناحیه از بودجه کل کشور دریافت می دارد، عوارض در محل وضع کند تا با سرعت بیشتری بتوان نیازمندی های ناحیه را رفع کرد.»

به این ماده باید افزود «دولت مرکزی در تقسیم بودجه در نظر خواهد گرفت که علاوه بر مبلغی که برحسب جمعیت هر استان به شورای استان اختصاص می یابد، سهم بیشتری برای ناحیه های خودگردان به نسبتی که بیشتر عقب نگاه داشته شده اند، به منظور تسریع رشد آن ها، تخصیص دهد.»

8 - در ماده 10 (از بخش الف) قید شده است که در هر ناحیه خودگردان تدریس «زبان قومی . . . از کلاس اول دبستان به بالا همراه زبان فارسی خواهد بود ولی تدریس درس ها به زبان فارسی . . . خواهد بود.»

نظر به این که اولاً مسئله تدریس به زبان مادری (قومی) یکی از عمده ترین خواست های محقانه اقلیت های ملی (اقوام غیر فارس) است و ثانیاً در دبستان به طور عمده زبان تدریس می شود و ثالثاً فراگیری زبان غیرمادری برای هر طفلی که در محیط آن زبان زندگی نمی کند بسیار دشوار است و رابعاً فراگیری دروس در حد دبستان به زبان مادری برای هر طفلی که بخواد زبان مادری را نسبتاً کامل بیاموزد از ضروریات است، البته همراه چند ساعتی زبان فارسی تا طفل مایه ای برای ادامه تحصیل در دبیرستان (که تدریس به طور عمده فارسی خواهد بود) کسب کند.

(ضمناً در همین ماده 10 زبان های **ترکمنی** و **عربی** فراموش شده که باید اضافه شود)

9 - در ماده 11 (از بخش الف) قید شده است که نامه نگاری در هر ناحیه خودگردان به زبان فارسی و زبان قومی هر دو رسمیت دارد ولی مکاتبه میان اداره های آن ناحیه . . . تنها به زبان فارسی خواهد بود.» به نظر می رسد که این ماده دچار ابهام یا تناقض است. مادام که نامه نگاری (قاعدتاً همان مکاتبه است) در ناحیه خودگردان رسمیت دارد، نامه نگاری (مکاتبه) میان اداره های همان ناحیه خودگردان دارای رسمیت است. پس این ماده باید اصلاح شود، بدین شرح: نامه نگاری در هر ناحیه خودگردان به زبان قومی و به زبان

فارسی هر دو رسمیت دارد ولی مکاتبه اداره های آن ناحیه با دولت ویا سایر ناحیه های خودگردان تنها به زبان فارسی خواهد بود که زبان مشترک تمام خلق های ایران است.

10 - در ماده 13 (از بخش الف) باید قید شود که هر ناحیه خودگردان یک کانال تلویزیون و یک موج رادیویی مخصوص خواهد داشت که تابع صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، منتها برنامه های محلی را اجرا خواهند کرد.

11 - در ماده 4 (از بخش ب) قید شده است که «در مورد زمینه های گوناگون . . . طی گزارش هایی که چگونگی آن باید روشن باشد . . .». «چگونگی آن باید روشن باشد» یعنی چه؟

چنین است برخی نظرات اصلاحی نسبت به طرح هئیت ویژه درباره خودگردانی.